

تئوری انسان‌نگر در آموزش چیست؟

شبکه  
تسهیلگران  
آموزشی

نویسنده: Chris Drew

مترجم: نجمه بشیری

# تئوری انسان‌نگر در آموزش چیست؟

شبکه تسهیلگران آموزشی

نویسنده : Chris Drew

مترجم : نجمه بشیری



## پروژه‌ی شبکه تسهیلگران آموزشی

موسسه بهشت اندیشه‌های کودکان



---

تئوری انسان‌نگر در آموزش چیست؟

---

ناشر: شبکه تسهیلگران آموزشی

<https://tashilgar.net>

---

مترجم: نجمه بشیری

---

## فهرست:

- ۵ ..... تعریف مختصری از تئوری انسان‌نگر
- ۶ ..... فرضیات تئوری انسان‌نگر
- ۷ ..... سرچشمه و آغاز تئوری انسان‌نگر
- ۸ ..... توجه به احساسات
- ۹ ..... انسان‌ها به ذات خوب هستند.
- ۱۰ ..... آبراهام مزلو: نظریه‌پرداز کلیدی انسان‌گرایی
- ۱۱ ..... سلسله مراتب نیازهای مزلو
- ۱۳ ..... مثال‌هایی از سلسله مراتب نیازهای مزلو در کلاس درس
- ۱۵ ..... مزایا و محدودیت‌های سلسله مراتب نیازهای مزلو
- ۱۶ ..... کارل راجرز، دیگر نظریه‌پرداز تئوری انسان‌نگر
- ۱۷ ..... مثال‌هایی از تئوری انسان‌نگر کارل راجرز در کلاس درس
- ۱۸ ..... نقاط قوت و ضعف تئوری انسان‌نگر در آموزش
- ۱۹ ..... منابع:

## تعریف مختصری از تئوری انسان‌نگر

نظریه انسان‌نگر یک تئوری آموزشی در حوزه تدریس و یادگیری است که به آموزش کودکان با در نظر گرفتن کلیه ابعاد آن‌ها به عنوان یک کل اعتقاد دارد. رویکرد انسان‌نگر بر آرامش عاطفی و احساسی دانش‌آموزان تمرکز دارد و معتقد است که کودکان ذاتاً خوب هستند.

## فرضیات تئوری انسان‌نگر

استراتژی تدریس مربیان انسان‌نگر چهار پایه فلسفی دارد. این پایه‌ها به باورهای معلم و در نهایت شیوه تدریس او جهت می‌دهند. این چهار پایه عبارتند از:

- **اراده آزاد:** ما آنچه را که بخواهیم انجام می‌دهیم، آزادانه فکر می‌کنیم و آنچه که می‌خواهیم را آزادانه انتخاب می‌کنیم.
- **احساسات بر یادگیری تاثیرگذارند:** ما برای دستیابی به بهترین خودمان به یک حالت احساسی مثبت احتیاج داریم.
- **انگیزه ذاتی:** به طور کلی ما برای دست یافتن به بهترین خودمان تمایل درونی داریم.
- **خوبی ذاتی:** انسان‌ها در ذات خوب هستند.

در زیر بعضی از تعاریف علمی که توسط پژوهشگران مختلف در ارتباط با انسان‌نگری مطرح شده، آورده شده است:

**دوشنس و مک ماف در سال ۲۰۱۶ صفحه ۲۶۳** استدلال می‌کنند که نظریه‌پردازان تئوری انسان‌نگر نیازهای گسترده‌ای از کودکان را مورد توجه قرار می‌دهند که نه تنها شامل نیازهای شناختی است بلکه نیازهای اجتماعی و عاطفی را دربر دارد.

**کراین (۲۰۱۵، ص ۳۶۳)** خاطرنشان می‌کند که تمرکز روانشناسی انسان‌نگر بر کمک به افراد (انسان‌ها) برای رسیدن به بهترین شخصیت‌شان است. او استدلال می‌کند که انسان‌نگرها معتقدند انسان‌ها بسیار بیش‌تر از آنچه تصور می‌شود، موجودات آزاد و به ذات خلاق، قادر به رشد و تحقق اهداف خود هستند.

**خطیب، صارم و حمیدی (۲۰۱۳، ص ۴۵)** استدلال می‌کنند که آموزش انسان‌نگر بر اهمیت دنیای درونی یادگیرنده تأکید می‌کند و اندیشه‌ها، عواطف و احساسات فردی جلودار تمام توسعه‌های انسانی قرار می‌گیرد.

در ادامه تعریفی با توجه به تعاریف بالا می‌آوریم:

انسان‌نگرها معتقدند که یادگیرنده ذاتا خوب و با اراده‌ی آزاد است و زمانی که در یک محیط آموزشی ایده‌آل قرار گیرد قادر به دستیابی به بهترین‌های خود است. محیط یادگیری ایده‌آل باید پاسخ‌گوی نیازهای اجتماعی، عاطفی و شناختی یادگیرنده باشد (کراین، ۲۰۰۹؛ دوچسن و همکاران، ۲۰۱۳؛ ووژلر، ۲۰۱۱).

## سرچشمه و آغاز تئوری انسان‌نگر

در اوایل قرن بیستم (اوایل دهه ۱۹۰۰)، رفتارگرایی و روانکاوی تئوری‌های مهم آموزشی بودند. انسان‌نگرها فکر می‌کردند هر دو این تئوری‌ها ادراک منفی و نادرستی از یادگیرندگان دارند. این تئوری‌ها قصد دارند مشکلات را در یادگیرندگان تشخیص دهند و آن‌ها را برطرف کنند.

انسان‌نگرها بر این باور بودند که باید از تصور کردن یادگیرندگان به عنوان موجوداتی ناقص و مرده جلوگیری نمود و این امر را متوقف کرد. در عوض، بر این مهم تمرکز داشت که چگونه می‌توان به یادگیرندگان در کسب بهترین‌ها کمک کرد.

نکته دیگری که با مخالفت انسان‌نگرها روبه‌رو شد این فرض بود که یادگیرندگان با پاداش و مجازات‌ها به راحتی کنترل می‌شوند. انسان‌نگرها بر این اعتقاد بودند که این رویکرد "رفتارگرایانه" در مورد پاداش و مجازات‌ها، در نظر نمی‌گیرد که انسان‌ها موجودات متفکر و پیچیده‌ای هستند. باید دقت کنیم که ما از طریق عوامل مختلفی هدایت می‌شویم و یکی از مهم‌ترین آن‌ها احساسات ماست: یعنی چه احساسی داریم. تنبیه به تنهایی در برابر کار اشتباه دیگران درست نیست.

از نظر انسان‌گرایان، ما باید عوامل ریشه‌ای و اساسی رفتار بد افراد را مورد بررسی قرار دهیم. شاید آن‌ها سردشان باشد، گرسنه باشند یا احساس ناامنی کنند! اگر مشکل اساسی را برطرف کنیم، احتمالاً فرد رفتار مناسب‌تری خواهد داشت.

بنابراین، تئوری انسان‌نگر عمدتاً در واکنش به باورهای منفی و ساده‌انگارانه‌ی رفتارگراها در مورد دوران کودکی به وجود آمد.

## توجه به احساسات

در تئوری انسان‌نگر احساسات فاکتور بسیار مهمی است. احساسات (یا آنچه اغلب در روان‌شناسی آموزشی از آن به عنوان "تأثیر" یاد می‌کنیم) چگونگی، زمان، کیفیت و نحوه آموزش را شکل می‌دهد. اگر ناخوش، غمگین، ناامید یا مضطرب باشیم، احتمالاً یادگیری خیلی خوبی نخواهیم داشت. وقتی نگران چیزی هستیم، تمام وقت خود را صرف فکر کردن در مورد آن می‌کنیم و فراموش می‌کنیم که باید روی موضوعات مهم‌تر تمرکز کنیم!

بنابراین، انسان‌نگرها معتقدند که باید به احساسات توجه کنیم و اطمینان حاصل کنیم که یادگیرندگان ما احساس مثبتی دارند، و در آرامش و راحتی خیال هستند. دقت کنیم که این احساسات هستند که ما را برای یادگیری آماده می‌کنند.

در واقع، انسان‌نگرها باور دارند که نظریه‌پردازان دیگر مانند رفتارگرایان، شناخت‌گرایان و نظریه‌پردازان فرهنگی-اجتماعی توجه کافی به احساسات ندارند. در حالی که سایر تئوری‌ها به مواردی مانند یادگیری اجتماعی و شناختی (فرآیندهای ذهنی) توجه می‌کنند، اما به نظر می‌رسد که از تاثیر احساسات بر چگونگی یادگیری که بسیار مهم است غافل هستند.

انسان‌نگرها در پی راه‌حلی در تکمیل تئوری‌های دیگر هستند. در زیر، روش‌های مختلف از راه‌حلهای ایشان را می‌خوانیم.



## انسان‌ها به ذات خوب هستند.

انسان‌نگرها باور دارند که ما انسان‌ها به ذات خوب هستیم. ما شیطان نیستیم یا با اهداف و غرایز شیطانی به دنیا نیامده‌ایم و به نظر می‌رسد ما بهترین‌ها را برای خود و اطرافیان‌مان می‌خواهیم. بنابراین چرا بعضی‌ها بد و حتی شیطانی می‌شوند و رفتارهای شرارت‌گونه دارند؟ طبق نظریه انسان‌نگر، مردم کارهای بدی انجام می‌دهند زیرا در راه‌های سالم و درست پرورش پیدا نکرده‌اند. وقتی نیازهای اساسی ما به عنوان انسان برآورده نشود، ممکن است عملی به دور از ذات خوب‌مان انجام دهیم. وقتی با کوچک‌ترها در کودکی به صورت غیرانسانی و نادرست رفتار می‌شود، ممکن است او نیز در پاسخ به این رفتار به طور غیرانسانی عمل کند. وقتی کسی گرسنه است، ممکن است بدخلق شود و بد رفتاری کند. اما، اگر ما با کودکان به خوبی رفتار کنیم و اطمینان حاصل کنیم که از نیازهای آن‌ها مراقبت می‌شود، آن‌ها نیز قادر خواهند بود که بر خوب بودن و انسان‌دوست بودن تمرکز کنند.

نکته مهم دیگر در مورد انسان‌نگرها این است که معلمان انسان‌نگر نکات خوب را در دانش‌آموزان خود می‌بینند و سعی دارند که مسائل را از ریشه برطرف کنند. حتی وقتی یک دانش‌آموز کار بدی مرتکب می‌شود، معلم با مجازات و تنبیه او را کنترل نمی‌کند. در عوض، معلم می‌گوید "چه نیازی در این‌جا برآورده نمی‌شود که چنین رفتاری را منجر شده است؟"

## آبراهام مزلو: نظریه پرداز کلیدی انسان گرایی



آبراهام مزلو در سال ۱۹۰۸ در نیویورک متولد شد. دوره‌ی کودکی او برایش همراه با غم و نارضایتی بود. زمانی تئوریسین نظریه رفتارگرایانه بود که تحت نظر ادوارد ثرندایک معروف تحصیل می‌کرد، اما بعدها متوجه شد که رفتارگرایی در ارتباط با ماهیت پیچیده انسان‌ها و انسان‌دوستی به اندازه کافی بحث نمی‌کند. او استاد کالج بروکلین بود و سلسله مراتب نیازهای معروف مازلو را توسعه داد و در سال ۱۹۷۰ درگذشت.

## سلسله مراتب نیازهای مزلو

سلسله مراتب نیازهای مزلو هرم مشهوری است که موارد اساسی مورد نیاز انسان برای رسیدن به احساس رضایت‌مندی را نشان می‌دهد.

پیش‌زمینه‌ای بر سلسله مراتب نیازهای مزلو: مزلو پس از بررسی زندگی گروهی از افراد بسیار موفق از جمله مهاتما گاندی، آلبرت انیشتین، آبراهام لینکلن و الانور روزولت هرم سلسله مراتب نیازها را خلق کرد. به گفته مزلو، هرکدام از این افراد موفق هر سطح از نیازهای هرم را برآورده کرده‌اند و توانسته‌اند به قله هرم صعود کنند و به خودشکوفایی برسند. مزلو معتقد است که تنها حدود ۱٪ از انسان‌ها به مرحله خودشکوفایی می‌رسند. هرم سلسله مراتب شامل دو دسته از نیازهاست:

- **نیازهای پایه‌ای و اساسی:** این نیازها در سطح پایین هرم قرار دارند و گاهی به عنوان نیازهای محرومیت و نیازهای کمبود نامیده می‌شوند. زمانی که انسان به این نیازها پاسخ ندهد این انگیزه را دارد که با هر وسیله‌ای این نیازها را برآورده سازد.

- **نیازهای رشدی:** زمانی که نیازهای پایه‌ای برآورده شود ما می‌توانیم روی نیازهای رشدی یا آنچه که به عنوان نیازهای شدن یا نیازهای احترام و ارتقا یاد می‌شود، تمرکز کنیم. برای رسیدن به خودشکوفایی لازم است که نیازهای رشدی پاسخ داده شود.

مزلو معتقد است که همه ما روزانه برای برطرف کردن نیازهای هرم زندگی‌مان تلاش می‌کنیم اما تنها عده‌ی محدودی هستند که به سطوح بالای هرم دست پیدا می‌یابند. ظاهراً، تا زمانی که نیازهای سطوح پایین‌تر پاسخ داده نشوند نمی‌توان به سطوح بالاتر هرم دست پیدا کرد.

سلسله مراتب نیاز:

- **نیازهای فیزیولوژیکی یا زیستی (نیاز پایه‌ای):** نیازهای فیزیولوژیکی شامل مواردی هستند که از نظر جسمانی برای زنده ماندن و ادامه حیات ضروری هستند مانند: آب، لباس، سرپناه و غذا. این نیازها نباید با نیازهای روان‌شناختی اشتباه گرفته شود.

- **ایمنی، مراقبت و امنیت (نیاز پایه‌ای):** همه ما برای پیشرفت و موفقیت در زندگی باید از آسیب در امان باشیم. اگر همیشه در نگرانی و اضطراب از اتفاق‌های ناگوار باشیم احتمالاً در یادگیری موضوعات جدید تمرکز کم‌تری داریم.

- **تعلق و عشق (نیاز پایه‌ای):** هنگامی که با موفقیت نیازهای جسمی و ایمنی خود را برآورده کردیم، می‌توانیم کار خود را برای توسعه روابط آغاز کنیم. همه انسان‌ها برای رسیدن به رضایت کامل به روابط مثبت نیاز دارند. این حس عشق و تعلق خاطر مانند حسی است که شما خود را جزئی از یک کلاس درس می‌بینید و به آن تعلق دارید، یا حسی که از داشتن یک خانواده دوست‌داشتنی می‌گیرید، و یا از داشتن دوستانی که در مواقع مشکل به آن‌ها تکیه می‌کنید.

- احترام (نیاز رشدی): احترام به معنی خوب فکر کردن به چیزی است. ما نه تنها نیاز داریم که در مورد خودمان مثبت و خوب فکر کنیم، بلکه نیاز داریم که دیگران هم در مورد ما خوب و مثبت فکر کنند. اگر خودمان را دست کم بگیریم و استانداردهای پایینی برای خودمان تعریف کنیم هرگز قادر نخواهیم بود به سطوح بالاتر هم دست یابیم.
- خودشکوفایی (نیاز رشدی): نیاز به خودشکوفایی، احساسی است که می‌خواهید بهترین شخصی باشید که می‌توانید باشید. شما می‌توانید به دنبال تلاش‌های خلاقانه باشید و به برترین توانایی‌های خود دست یابید زیرا که برای برآورده کردن تمام نیازهای دیگر خود مشغول جنگ نیستید.



## مثال‌هایی از سلسله مراتب نیازهای مزلو در کلاس درس

در زیر مثال‌هایی از نیازهای مزلو در کلاس درس را بررسی می‌کنیم.

### الف) مثال‌هایی از نیازهای زیستی تئوری مزلو در کلاس درس:

- غذا - اگر کودکی گرسنه باشد احتمالاً در وضعیت مناسبی برای مطالعه و یادگیری نیست. برای رفع این موضوع، معلم می‌تواند برنامه‌ای را برای تغذیه مناسب کودکان در نظر بگیرند، به عنوان مثال یک صبحانه دوره‌می قبل از کلاس برای کودکان راه‌اندازی کنند یا با یک بانک غذایی محلی برای حمایت از خانواده‌های کم‌بضاعت همکاری داشته باشند.
- آب - معلم می‌تواند دانش‌آموزان را تشویق کند که قبل از ورود به کلاس آب بنوشند یا این‌که همواره یک بطری آب روی میز خود داشته باشند.
- لباس - دانش‌آموزی داشتم که در اواسط تابستان با هودی (یک نوع لباس گرم جلوبسته با کلاه) به کلاس می‌آمد. چرا؟ چون مادرش به تازگی خانواده را ترک کرده بود و پدر اهمیتی به امور منزل نمی‌داد. او چندین هفته لباس‌ها را نشسته بود و دانش‌آموز بی‌چاره هیچ پیراهنی برای پوشیدن نداشت. راه‌حل اجرا شده چه بود؟ انجمن اولیاء مدرسه، مجموعه‌ای از لباس‌های مختلف در اختیار داشت که دانش‌آموز مورد نظر می‌توانست از میان آن‌ها هر روز پیراهنی را که دوست دارد پیدا کند و بپوشد. علاوه بر این از مسئولین مربوط به امور خانواده در سازمان‌های اجتماعی دولتی خواسته شد تا از پدر این دانش‌آموز حمایت کرده و به او کمک کنند.

### ب) مثال‌هایی از نیازهای ایمنی تئوری مزلو در کلاس درس:

- ایمنی در برابر اسلحه‌ها - به عنوان یک استرالیایی-کانادایی، وقتی یک معلم درجه یک آمریکایی بازگو کرد که به چه اندازه نگران ورود افراد مسلح به مدرسه است، شوکه شدم. من می‌دانستم که این نگرانی‌ها به صورت انتزاعی برای معلمان در ایالات متحده وجود دارد اما هرگز نمی‌توانم خود را به جای معلمی که هر روز احتمال می‌دهد چنین اتفاقی برای دانش‌آموزانش بیافتد تصور کنم. من حس دانش‌آموزان بیچاره‌ای که باید با این فکرها و ناامنی سعی در تحصیل داشته باشند را درک می‌کنم.
- ایمنی در برابر افراد غریبه - این روزها اکثر مدارس به همه مراجعان و کارکنان این امکان را داده است تا در دفتر مدرسه، اتیکت هویتی دریافت کنند و ورود خود را به مجموعه اعلام کنند. این موضوع به

احساس امنیت دانش‌آموزان کمک می‌کند و از دیدن افراد غریبه بدون هیچ دلیلی در داخل و خارج از کلاس جلوگیری می‌کند.

- **ایمنی در برابر صدمات جسمی-** در کلاس‌های درس مواد تیز یا خطرناک باید در فاصله‌ای امن از دانش‌آموزان قرار گیرند. ریسمان‌هایی که ممکن است باعث زمین خوردن دانش‌آموزان شود و یا اجسامی که قابلیت متلاشی شدن و شکسته شدن دارد، باید تعویض شوند تا دانش‌آموزان به جای ترس از صدمه دیدن، بتوانند روی یادگیری تمرکز کنند.

### ج) مثال‌هایی از تعلق خاطر و عشق در تئوری مزلو در کلاس درس:

- **عضویت -** عضویت دانش‌آموزان در گروه‌های کلاسی، شرکت در باشگاه‌های بعد از مدرسه و عضویت در گروه‌های تحقیقاتی در کلاس به دانش‌آموزان در داشتن حس تعلق کمک می‌کند.
- **قوانین دموکراتیک در کلاس -** دانش‌آموزانی که خودشان قوانین کلاس را تعیین می‌کنند احتمالاً در کلاس درس احساس تعلق و مالکیت بیشتری دارند.
- **تصاویر دیوارها -** گذاشتن نمونه‌ای از آثار هنری دانش‌آموزان یا عکس آن‌ها روی دیوار کلاس باعث می‌شود دانش‌آموزان خود را جزئی از کلاس درس بدانند و به آن احساس تعلق کنند.
- **تنوع و گوناگونی در کتاب‌های کلاس -** دانش‌آموزانی که از اقلیت‌ها به شمار می‌آیند ممکن است احساس کنند که هویت آن‌ها در کلاس دیده نمی‌شود. استفاده از شخصیت‌های متنوع در کتاب‌ها و نمایش‌های متنوع در تصاویر درون کلاس به دانش‌آموزان کمک می‌کند که حس کنند هویت‌شان دیده می‌شود و مورد احترام است.

### د) مثال‌هایی از احترام در تئوری مزلو در کلاس درس:

- **جشن موفقیت‌ها -** زمانی که دانش‌آموزی موفقیتی را کسب می‌کند آن را به صورت عمومی اعلام کنید. در احترام گذاشتن و حفظ عزت‌نفس دانش‌آموزان تان پیش قدم باشید.
- **ارتقاء خودباوری -** دانش‌آموزان را ترغیب کنید که به توانایی‌هایشان برای رسیدن به موفقیت باور داشته باشند. به آن‌ها یاد دهید که این چارچوب ذهنی را در خود رشد دهند که موفقیت حاصل تلاش است. وقتی دانش‌آموزان این نگرش را درونی می‌کنند، خود را به عنوان یادگیرنده‌های قدرتمند و توانمند خواهند دید.
- **انتظارات بالا -** از دانش‌آموزان انتظارات بالایی داشته باشید و فقط هنگامی که چیزی قابل ستایش است از آن‌ها تمجید کنید. اگر بیش از حد به ستایش بپردازید، دانش‌آموزان دیگر به خوبی به این تمجید پاسخ نمی‌دهند.

## مزایا و محدودیت‌های سلسله مراتب نیازهای مزلو

مزایای سلسله مراتب مزلو عبارتند از:

- **تاکید بر عواطف:** اغلب تئوری‌های آموزشی به نیازهای احساسی و عاطفی دانش‌آموزان توجه زیادی نمی‌کنند. سلسله مراتب مزلو تلاش می‌کند تا این نیازها را مد نظر قرار دهد.
- **صریح و قابل درک بودن:** با وجود نواقص متعدد (که در قسمت بعد شرح داده می‌شود)، سلسله مراتب مزلو نقطه شروع مناسبی برای توجه به اهمیت عواطف در یادگیری و بررسی آن است.
- **دیدگاه مثبت‌اندیش:** سلسله مراتب مزلو با این فرض دانش‌آموزان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد که همه آن‌ها می‌توانند به بهترین موفقیت‌ها دست یابند.

معایب سلسله مراتب مزلو عبارتند از:

- **خطی بودن:** کاملا واضح است که افراد می‌توانند در شرایط بسیار سخت و دشوار نیز یادگیری داشته باشند و موفق شوند. دانش‌آموزان می‌توانند در فقر، زمان جنگ و مشقت به موفقیت دست یابند، پیشرفت کنند و به پزشک یا هنرمند بزرگی تبدیل شوند. سلسله مراتب مزلو این نکته را که بعضی از افراد می‌توانند حتی زمانی که نیازهای اولیه آن‌ها تامین نشده نیز یادگیری داشته باشند را در نظر نمی‌گیرد.
- **محدود بودن از منظر روش‌شناسی:** مزلو سلسله مراتب خود را با مشاهده زیرمجموعه کوچکی از افراد موفق، توسعه داده است. این سلسله مراتب، از منظر آماری تایید نشده و دارای شواهد کافی نیست.

## کارل راجرز، دیگر نظریه پرداز تئوری انسان‌نگر

کارل راجرز یکی دیگر از نظریه پردازان بسیار تاثیرگذار در تئوری انسان‌نگر است. در ادامه خلاصه‌ای از تفکرات اصلی وی ارائه می‌شود:

- **تمایل به تحقق:** بر اساس تفکرات راجرز، همه ما تمایل داریم تا برای رشد و پیشرفت شخصی تلاش کنیم. همه ما برای بهتر بودن، جاه طلب هستیم. راجرز این ایده را "تمایل به تحقق" نام‌گذاری کرده و از آن به عنوان چارچوبی برای نظریات خود در ارتباط با آموزش استفاده کرده است.
- **آزادی برای یادگیری:** راجرز کتابی با عنوان "آزادی برای یادگیری" نوشته است. وی در این کتاب به اهمیت این نکته تاکید می‌کند که دانش‌آموزان از محدودیت‌های برنامه تحصیلی مدرسه رها شوند تا بتوانند به راحتی در ارتباط با مسائلی کاوش کنند که به آن‌ها علاقه دارند. اگر ما در انتخاب چیزی که یاد می‌گیریم آزاد باشیم (تاکید بر انتخاب آزاد)، مطالبی را می‌آموزیم که "تمایل به تحقق" (تمایل به خودسازی) از درون ما را به سمت آن سوق می‌دهد. در نتیجه ممکن است ما بیش‌تر یاد بگیریم و مطالبی را فرا بگیریم که برای شخص ما، اهمیت بیش‌تری دارند.
- **دیدگاه مثبت بدون قید و شرط:** از نظریات مزلو مشاهده شد که نظریه پردازان انسان‌نگر اعتقاد دارند دانش‌آموزان باید عزت‌نفس (دیدگاه مثبت به خود) بسیار قوی داشته باشند. راجرز اعتقاد دارد که ما می‌توانیم با دیدگاه مثبت بدون قید و شرط نسبت به دانش‌آموزان، به آن‌ها کمک کنیم تا عزت‌نفس قوی‌تری داشته باشند. کاملاً شبیه پدر و مادری که بدون قید و شرط فرزند خود را دوست دارند، معلمان نیز باید این دیدگاه را داشته باشند که دانش‌آموزان بدون قید و شرط خوب هستند حتی اگر بدترین عملکرد را از خود نشان داده‌اند.



## مثال‌هایی از تئوری انسان‌نگر کارل راجرز در کلاس درس

از برنامه درسی مشخص استفاده نکنید: به نتایج یادگیری دقت کنید و آن‌ها را بیرون بکشید و به بچه‌ها چیزهایی یاد دهید که برای آن‌ها در زندگی شخصی‌شان الهام‌بخش و انگیزه‌بخش است.

**تشویق به انتخاب:** از دانش‌آموزان نه تنها در رابطه با این‌که چگونه می‌خواهند آموزش ببینند بلکه در ارتباط با این‌که تمایل به یادگیری چه مطلبی دارند سوال کنید.

**تشویق به یادگیری پرس و جوگرانه:** زمانی‌که دانش‌آموزان مطلب مورد علاقه خود را برای یادگیری انتخاب کردند به آن‌ها مراجع و منابعی غنی دهید و محیط یادگیری مبتنی بر پرس‌وجو به وجود آورید. این‌گونه دانش‌آموزان قادر خواهند بود که علایق خود را بدون درگیر شدن با کاغذهای پرینت شده کشف کنند.

**به عنوان یک تسهیلگر عمل کنید:** در جایگاه معلم و در جلو کلاس نایستید تا بخواهید شبیه سیستم معلم‌محور در تئوری رفتارنگر تدریس کنید. در عوض، با ایجاد یک محیط مناسب برای یادگیری دانش‌آموزان، یادگیری را تسهیل می‌کنند.

**توجه مثبت بدون قید و شرط:** حتی زمانی‌که بچه‌ها در بازی رفتار بدی نشان می‌دهند ما باید به صورت همدلانه و حمایت‌گرانه به آن‌ها توجه مثبت داشته باشیم. زبان ما باید به دانش‌آموزان نشان دهد که ما برای آن‌ها احترام زیادی قائل هستیم: "این رفتار عملکردی نیست که شبیه رفتار تو باشد، من از تو یک آدم دوست‌داشتنی می‌شناسم، بیایید از فردا مجدداً از نو شروع کنیم و به خودمان ایمان داشته باشیم که فردا روز بهتری خواهد بود و ما طبق ذات خوش‌رفتار خود عمل می‌کنیم."

## نقاط قوت و ضعف تئوری انسان‌نگر در آموزش

نقاط قوت تئوری انسان‌نگر در آموزش عبارتند از:

- برخلاف بسیاری از تئوری‌هایی که سعی در تشخیص نقاط ضعف دارند، انسان‌نگرها بهترین را در همه می‌بینند و برای بهبود و پیشرفت آن تلاش می‌کنند.
- این‌که کودکان انسان‌هایی توانمند و قدرتمند هستند فلسفه عمیقی است.
- تئوری انسان‌نگر برخلاف بسیاری از تئوری‌ها، حالات عاطفی و تأثیر آن‌ها را بر یادگیری در نظر می‌گیرد.
- کل‌نگر است به این معنی که کل و تمام ابعاد کودک را می‌بیند. از آن‌جا که ابعاد شناختی، اجتماعی و احساسی کودکان را مد نظر دارد با سایر تئوری‌های شناختی و اجتماعی هم‌پوشانی زیادی دارد. تفاوت این تئوری‌ها در توجه به احساسات است.

نقاط ضعف تئوری انسان‌نگر در آموزش عبارتند از:

- دارای برنامه درسی تعیین شده نیست. این جنبه تئوری انسان‌نگر تا حدودی با مدارس معاصر که معمولاً یک برنامه درسی استاندارد دارند تا دانش‌آموزان یادگیری مشخصی بر مبنای آن داشته باشند ناسازگار است.
- اگر این تئوری در مدارس اجرا شود، هر دانش‌آموز با دانش متفاوتی از مدرسه فارغ‌التحصیل می‌شود. این درحالی است که نیاز است دانش‌آموزان چیزهایی مانند ریاضیات را یاد بگیرند حتی اگر تمایل ذاتی به یادگیری آن نداشته باشند!
- برخی دانش‌آموزان برای یادگیری مؤثر به ساختار منظم و مشخصی نیاز دارند. با تأکید بر یادگیری مبتنی بر انتخاب، برخی از جنبه‌های تئوری انسان‌نگر ممکن است برای چنین دانش‌آموزان کارایی لازم را نداشته باشد.

## منابع و مراجع

Bates, B. (۲۰۱۹). *Learning Theories Simplified: ...and how to apply them to teaching*. London: Sage.

Crain, W. (۲۰۱۵). *Theories of Development: Concepts and Applications: Concepts and Applications*. London: Routledge.

Duchesne, S. & McMaugh, A. (۲۰۱۶). *Educational Psychology for Learning and Teaching*. Melbourne: Cengage Learning.

Khatib, M., Sarem, S. N., & Hamidi, H. (۲۰۱۳). Humanistic Education: Concerns, Implications and Applications. *Journal of Language Teaching & Research*, ۴(۱), pp. ۴۵ – ۵۱.

Schunk, D. H. (۲۰۱۲). *Learning Theories: An Educational Perspective*. Boston: Pearson Education.

Veugelers, W. (۲۰۱۱). Introduction: Linking autonomy and humanity. In: Veugelers, W. (Ed.). *Education and Humanism: Linking Autonomy and Humanity* (pp. ۱ – ۷). Rotterdam: Sense Publishers.

# تهیه شده در تابستان ۱۳۹۹

---



موسسه بهشت اندیشه‌های کودکان

